

## بیتِ نخست

نخستین بیتِ دیوانِ حافظ مشهورتر از آن است که بخواهیم آن را تکرار کنیم. بااین حال همین که آن را می خوانیم علامتِ سوال های زیادی در ذهنمان نقش می بندد،

الا یا ایهاالساقی ادر کاسا وناولها (ای ساقی جام را بگردان و به من بده)

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها

□ نخست این که مصراع اول بیت آیا سروده ی «یزید بن معاویه»

است؟ این شایعه از همان آغاز توجه مردم به حافظ بر سر زبان ها بوده است اهلی شیرازی حدود چهل سال پس از مرگ حافظ می گوید:

خواجه حافظ را شبی دیدم به خواب

گفتم ای در فضل و دانش بی همال

از چه بستی بر خود این شعر یزید

با وجود این همه فضل و کمال

گفت واقف نیستی زین مسئله

مال کافر هست بر مؤمن حلال

و کاتبی نیشابوری (ترشیزی) که ۴۶ سال پس از حافظ احتمالاً به علت

طاعون از دنیا رفته این استدلال همشهری او (اهلی) را نپسندیده و در

رد آن می گوید:

عجب در حیرتم از خواجه حافظ

به نوعی کش خرد زان عاجز آید

چه حکمت دید در شعر یزید او

که در دیوان نخست از وی سراید

اگرچه مال کافر بر مسلمان

حلال است و در او قبلی نشاید

ولی از شیر عیبی بس عظیم است  
که لقمه از دهان سگ رباید

هر دوی این شواهد در کتاب «شرح سودی بر حافظ» یعنی دویست سال پس از حافظ برای قطعی نشان دادن انتساب این بیت به یزید، نقل شده اند. سودی تردیدی ندارد که مصراع حافظ تغییر شکل یافته ی مصراع دوم این بیت یزید است:

انا المسموم ما عندی به تریاق و لراقی (من مسموم شده ام نه دارویی دارم و نه درمانی)

ادر کاسا وناولها الی یا ایها ساقی (ای ساقی درمانگر مرا به داروی جام دریاب)

بررسی مرحوم قزوینی در اشعار منسوب به یزید و دیوانی که در بیروت از او چاپ شده کمکی به روشن تر کردن این شایعه نمی کند تا جایی که ایشان مطمئن می شود که چنین نسبتی درست نیست و این بیت را حافظ -باواسطه- متأثر از غزل سعدی سروده است<sup>1</sup>

□ دوم اینکه چرا و چگونه این بیت حافظ مورد توجه مردم بوده است؟ شواهد نشان می دهد که لااقل تا پایان دوران صفوی توجه به این بیت کم نیست. غیر از شواهدی که سودی به دست می دهد، در قرن نهم -که نزدیک به عهد حافظ است- موارد دیگری از این توجه ثبت شده است. از جمله به ورزشکاری فاضل برمی خوریم به نام «پهلوان ابوسعید» که امیرعلی شیرنوایی رساله ای در باره ی او نوشته است و غیر از آن در مجالس و النفائس هم از او یاد می کند. در این کتاب آمده:

.... [پهلوان] در معما چنان بود که در بیتی

که شاعر قصد معما نکرده او «اسم» استخراج

1 قزوینی می پندارد که بیت منسوب به یزید در فاصله ی بین سعدی و حافظ توسط کسانی ساخته و به او نسبت داده شده است

می کرد ، مثل این مطلع خواجه حافظ که [ از  
آن ] اسم « علی » استخراج کرده است :  
الا یا ایهاالساقی ادر کاسا وناولها // که عشق  
آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها ...<sup>2</sup>

همچنین روایتی ست که مترجم کتاب مجالس النفائس ( از ترکی به  
فارسی ) از همسر استاد استادش نقل می کند . این زن « مهری »  
( مهرالنساء ) نام دارد و در سرودن شعر از حافظ پیروی می کرده و دیوانی  
داشته که مطلع آن چنین است :

ادر یا ساقی العُشاق اقداحا و عجلها

که شوری می کند شیرین شراب تلخ در دل ها

از بررسی این موارد به نظر می رسد که رواج شیعه گری در قرن نهم و  
سلطه ی تشیع در قرن دهم ذهن خوانندگان حافظ را روی بیت نخستش  
حساس می کرده است . شایعه ی انتساب بیت به یزید را می توان بهترین  
توجیه برای چنین حساسیتی دانست . کهن ترین تاثیرپذیری از این بیت  
همین تتبع مهرالنساء هراتی ست که زن طبیب شاهرخ میرزای تیموری  
بوده است . زن شاهرخ ( گوهرشاد بیگم ) که مهری هراتی مونس و  
جلسی او بوده همان کسی است که مسجد گوهرشاد به او منسوب  
است . گوهرشاد و شاهرخ هردو در زیارت امام رضا شهرت دارند . از  
طرف دیگر استخراج نام « علی » از « که عشق آسان نمود اول ... » در  
معمایابی های پهلوان ابوسعید نیز نشانه ی دیگری بر حساسیت های  
جامعه ی آن روز نسبت به امام های شیعیان است . چه این افراد شیعه  
باشند و چه سنی معلوم است که تحت تاثیر دغدغه ی جامعه قرار

---

2 استخراج « علی » از بیت بخاطر آن است که پهلوان اول عشق (ع) را با « لی » جمع می کند !

داشته اند، چه رسد به شواهدی که سودی بدست می دهد؛ آنجا شیعۀ بودنِ سراینندگان محرز است و تحقیق و مطالعه ی زندگی ایشان هم این واقعیت را تایید می کند.

□ سوم نسبتِ این بیت با غزلِ سعدی چیست؟ سعدی غزلی دارد که با این بیت آغاز می شود:

به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقی

به صد دفتر نشاید گفت حسب الحالِ مشتاقی

در این غزل پنج بیت عربی است که یکی از آنها به بیتِ منسوب به یزید شباهت هایی دارد:

قم املا و اسقنی کأسا و دع ما فیه مسموما

اما انت الذی تسقی فعین السّم تریاقی

در این بیتِ سعدی می گوید «برخیز و جام را پرکن گیرم همه از سم، وقتی که تو ساقی باشی سم هم شفابخش است» اگر به معنای این بیت توجه کنیم احساس می کنیم که محتوای آن به یک سابقه ی ذهنی نیاز دارد. باید کسی گفته باشد که «فلانی سم در جام می ریزد» یا در سنتِ شعری مسمومیت از طریقِ شراب متداول و برای ذهن مخاطب محرز باشد. چیزی که نه در شعر فارسی سابقه ای دارد و نه از دیگر ابیاتِ فارسی و عربی غزل تامین می شود، لذا باید ردّ آن را در خمیره های عربی گرفت. وقتی به بیتِ منسوب به یزید می نگریم احساس می کنیم که کلمات به خوبی این سابقه را تامین می کنند. احتمالا «انا المسموم ما عندی و تریاق ولا راقی // ادر کاسا وناولها الی یا ایهاالساقی» -بر خلافِ تصورِ علامه قزوینی- به اندازه ی زیادی در شیرازِ عهدِ سعدی -دستِ کم

برای اهل شعر و عربیت- مشهور بوده است. و سعدی هم از همان  
مضمون مشهور سودجسته و نوعی توسعه ی فکری به آن بخشیده است.  
یزید گفته: من مسموم شده ام ای ساقی پادزهر مرا برسان و سعدی گفته  
پادزهر که سهل است تو اصلا زهر بده. شبیه به آن که می گوید:

زهر از قبل تو نوش داروست

فحش از دهن تو طیبات است

یا آنکه در ترجیع بند معروفش می گوید:

درد از جهت تو عین داروست

زهر از قبل تو محض تریاک

همه ی این مضامین به همان سابقه برمی گردد که ابتدا کسی شراب را به  
عنوان دارو و پادزهر و شفابخش تلقی کند و این معنی جابجفتد و از  
حداقل رواج برخوردار گردد تا شاعری بخواهد از آن عبور کند که اصلا  
دارو کیلویی چند است! خود درد هم که باشد برای ما خوردنی و  
نوشیدنی ست.

با این تحلیل اگر به بیت حافظ برگردیم دو نکته ی مهم را در باره ی آن  
کمابیش اثبات کرده ایم یکی اینکه شهرت انتساب این بیت به یزید  
قطعی ست و این که بعضی پنداشته اند حافظ ممکن است از این معنی  
خبر نداشته بسیار بعید به نظر می رسد. دوم این که این بیت نتیجه ی  
منطقی یک گفتگوی فرهنگی بین دو سنت «خمیره سرایی» عربی و  
«باده پرستی» ایرانیست. اگر در خمیره ی یزید شراب پادزهر است و اگر  
به تعبیر او:

واشربوا کاس مدام

و اترکوا ذکر المعانی

در بیتِ حافظِ مستی دعوت به گفتگو درباره‌ی دشواری‌های راهِ عاشقی ست « که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها ».

چیزی که نسبتِ بینِ دوغزلِ سعدی و حافظ را جالب می‌کند استفاده از کلماتِ « پایان » و « اوّل » در این دو غزل است:

به پایان آمد این دفتر

که عشق آسان نمود اول

تصادفا یا عمدا از این واژه‌ها چنین استنباط می‌شود که پایانِ کارِ سعدی با آغازِ حافظ همراه است باید هزینه‌ی مراسمِ کفن و دفنِ سعدی را خرج تولدِ حافظ کرد که می‌خواهد ناگفته‌های « همچنان باقی » سعدی را با همه‌ی « مشکل‌ها » بی‌ی که دارد، بازگو کند.